

ما در دهه ۷۰ تـــا ۸۰ برای بیان م اجتماعــیو مشــکلات زنــان از زبـان تندو تیزی استفاده می کردید، مثل فیلم «واکنش پنجم»، اما در فیلم «آتشبس» از زبان کمدی رای بیان مشـکلات یک زوج در دورهای که کرد. کمدی به اوج خود در سینمای ایران رسیده بـود،اســتفاده کردید. آیــا به دلیــل این که . مخُاطب راحت ترباً آن ار تباط برقرار كنديا فبلج كمتر دجار مميزي شودويه سياهنماني متهم شودبه سراغ كمدى رفتيد؟ من فيلم سياه ندارم و همه فيلم هايم اميد بخش

اخت، چُون یک تراژدی عمیق است. ی ۔ مثلا با فیلمبی مثل دو زن، نمی شود شوخی کرد، چون داریم درباره زندگی انسانی که محکوم شده و به زندان افتاده صحبت میکنیم. اما درباره «کـودک درون» میتوان به زبـان کمدی صحبت كرد.اُصــلا أَنَ را نمى تُوَانَى جُدى بَكُويى، چون اگر بهصورت جدی درباره جنگ میان مدرنیته و سنت بگویی با تو بر خورد جدی می کنند. به نظرم زمانی که بهصورت جدی صحبت از مسائل زناشــویی می شود، مردم ما آن را پس میزنند و عدمای جبهه می گیرند. ولی وقتی این مسائل همراه با شوخی و خند، برایشان مطرح می شود در ناخودآگاهشان تأثیر می گیذارد. بگذارید در این جا به بخشی از فیلم اشاره کنم تا متوجه شوید من فقط نخواستم مردم را بخندانیم. مثـلا در فیلم«آتش بس۳» ما صحنه های تراژیک بسـیاری داریـم، مانند جایی که پدر تولد پسرش را فراموش می کندیا وقتی که آنها فراموش می کنند فرزندشان را از مهدکودک بياورند و... به نظرم بيان همه اين مسائل به زبان اینز و فانتزی بیشتر میتوانست تاثیر گذار باشد تا این که مستقیم توی گوش تماشاگر بزنیم که به این مســائل نگاه کن، چون با این استراتژی نهتنها نگاه نمی کندبلکه از آن فرار هم می کند. بنابراین هر فیلمی قالب خودش را دارد، من می توانم در فیلم «تسویه حساب» از چاشنی طنز استفاده کنم اما در «نیمه پنهان» که یک فیلم صریح سیاسی است،

نمی شود از این زبان استفاده کرد. به نکته خوبی اشاره کردید، قبول دارید در سان بعضي از مسائل اغراق شده، مثلا ابن که بچه به این کوچکی تا ساعت یک نصف ش در مهدکودک بماند و پـدر و مادرش متوجه نبوداونشوند،اغراق نيست؟

بچه تا نصف شـب در مهدکودک نمانده، مثلا تا ساعت ۷ یا ۸ شب است که آنها تازه می خواهند شام

البته این ساعتی که شمامی گویید در فیلم مشخص نیست با این حال مشخص است چندساعت طول می کشد به نظر شما در بیان مسائلي از اين قبيل اغراق نشده و با واقعيت ىلەندارد؟ حامعهفا

نه، اينطور نيست بيايــد با هـــم برويم هم مهدکـودک دختر من تـاببینیدرئیـس آن،چه چیزهایی برایتان تعریـف می کند.البته دختر من در حال حاضر دانشجوست اما دوستی من با مدیر مهد کودک او بعد از سال ها باقی مانده است. واقع ۔ ن. واقعا به دنبال بچههایشان نمی آیند و من خیلی روی این موضوع حساس بودم که حتما مطرحش کنم. اتفاقا خیلی هابه من گفتند این قسمتها را از فیلمت در بیاور چون طنز فیلم را کم می کند اماً من گفتم نمی خواهم فقط فیلم طنزی بسازم که مردم را بخنداند. من می خواهم حقایقی را که وجود دارد، بیان کنم. معلوم است که آن قسمتهای فیلم برایشان ناراحت کننده است، ولی دقیقا من مىخواھم كەناراحت شوند.اصلابرايم مھم نيس ، بیننده فیلمم پشت سرهم بخندد. مهم نیست فیلم را از فروش بیندازد، مهم این است که حرفم را بزنــم. اما از طنز هم در فیلم اســـتفاده می کنم تا یننده خسته نشود. من حتی به نوع دیالوگهای ہیں۔ جروبحث میان این زن و شــوهر هــم دقت کردم تا در آنهااز فحش یا بدو بیراہ اســتفادہ نشود چون رم همه اینها روی ناخود آگاه تماشاگران . تاثير گذاراست یعنی شما از تجربیات شخصی خودتان در

فيلماستفادهكرديد؟ بیله، بخشیی از تجربیات زندگی من هم در فیلم

أوردم أو دقيقا شُـبيه شُخْصيتَى است كه در فيلم گوهر خيرانديش بازى مى كند. البته همسر من گوهر خیراندیش بازی میکند. البته همسـر من واکنشی را که در فیلم خسرو نسبت به آن پرستار دارد، نداشت. آن خانم دقیقا می خواست به من بفهماند که توار باب خانه نیستی و رئیس این خانه مرد است که من در خدمت او هستم، واقعا فکر می کرد دخترم ژینا را او ب دنیا آور ده و با من مثل بک عضو اضافی خانه بر خور د می کر د.

. در نهایت شــما هُمَ مَثُل اتفاقی که در فیلم افتادبیرونش کردید؟

نه، او آماد بیروفس در دید: نه، او آن قدر پیر بود که خودش رفت، تقریبا ۷۶سـال داشت برای همین ســــی کردم گوهر هم در فیلم همین حدود ســنی به نظر بیاید، واقعا شخصیت جالبی داشت، لباس های همسرم را آنو می کرد اما با وجود این کـه می دیدید لباس های من چروک گوشـه ای افتاده است به روی خودش

ی رز -. قیما ردار بد در قسمت دوم فیلہ «آتش س باین که شما خواستید آن را یک فیلم جدا باین که شما خواستید آن را یک فیلم جدا ببینید، باز هم از افکتهایی از قسـمت اول وجود دارد و حتی مسائلی کـه در آن فیلم مطرح شده در این فیلم هم آورده شده؟ مثلا



گفت و گو با تهمینه میلانی: میخواهم به روابط غلط «آتش بس» بدهم

نهمینه میلایی، از کارگردانان زن قدیمی و پرکار سـینمای ایران است که این روزها بعداز چهار سال با قسمت دوم فیلم«آتش بس»به پر ده سینماها بازگشته است. او می گوند قصد دارد مجموعه آنترس برا به یتج قسمت برستاند در همه این مجموعه قاضه هایی دیاره بایان دادن به رابطه های اشتباه را مطرح خواهد کرد که فقط به خانواده ختر شی شود بلکه او در قسمت آخر این مجموعه قصهای هم دربار ه رابطه گروههای سیاسی جامعه خواهد ساخت میلاتی بیشتر به داشتن نگاهی زنانه بابه قول بعضی دیدگاه فمینیستی ممروف اُستانها اومی گوید با مرکان جامعه شنگلی ندار دو لقط دوست از حرف هاو دغدغه هایش را بافیلمهایش ه گوش مخاطبانش برساندو تاثیری بر آن هاداشته باشد او به زودی فیلم جدیدش را کلید خواهد زدومی گویدژاتر ممدی ژاتر مورد علاقماش نیست اما این یعتر بن را دیرای بیان مشکلاتی است که شاید مخاطب به راحتی آن را قبول نکند. فیلم بعدی او کمدی نخواهی بسهمبافاصله چندین ساله ساخته خواهد شد.

خسرو مى پر سد: اجاست فرند Just friend يعنى

ی به نکتــه جالبی اشــاره کردید. متاســفانه ما بسياري از مسيائلي را كه محصول آمدن

ـُــاله ترنسها پرُداختم، که خیلی سخت

ما صدمه میزننسد و جامعه با آنها در گیر است و

می توانیم حذفشان کنیم یانادیده بگیریمشان. قبول دارید که در این فیلم بار اشتباها تی

که یک مرد نسبت به زنش انجـام می دهد،

نمىتوانيم

در آن فیلم هم شـخصیت اول مرد سختش ود که به همسرش بگوید «دوستت دارم.» این یک مشکل همگانی است. درست است اما می خواهم بدانیم این

مدرنیت به جامعه ما است نمی توانیم در سینمایمان نشان دهیم. مثلا در مورد اشار اتعامدانه بوده؟ . . بیان صریح ابــراز احساســات در خانوادههای دوستی دختر و پسر در یک محدوده خاص با چارچوب ندی خاصی می توانیم حرف بزنیم. اگریادت باشــددر فیلم آتش س۱»، من کمی بُنَابِراين من اگـر َهربارَ هم اين موضوع را تكرار كنم باز هم كم است. حالا اين جا اهکار هم نشان دادهام. در قسمت اول فقط ىە م به گفتن،عزیزم، اشاره می شداما در این فیلم از و برای گرفتن پروانه نمایش پوستم کنده شد ولی ، مخاطب می خواهیم که از تکنولوژی استفاده کند. در حال حاضر تکنولوژی در خانوادههای ما بهویژه ر درک ر ک پر ک بر بعدش دیدیم که خانم آذربایجانی فیلم«آیینههای روبهرو» را درباره آنها ساخت. بالاخره از یک جایی تحصيلكر دمها حاكم شده، بنابر اين به آنها توصيه ايد كنيم. البته من به تنــدروى اعتقاد ندارم ولى

تحصیلردها حاکم تشده بنابراین به انهو توصیه می کنیم اگر نمی توانی رودررو به ایراز احساسات کنی، برایش بنویسن و به او پیامک سده این کار شندی است نده آنها هم این روش رامی پذیزند اما در بعضی از میوارد مشاور دیگر هیچ پیشنهادی برای حل مسأله نمی دهد. مثلا دَّعواى اين زنَّ و شوهر تا آخر فيلم درباره نام بچه باقی میماند و مشاور راه حلی برای آن ارايەنمىدھد.

۔ ب مشاور دربارہ این مسالہ با تمسخر ص می کند. همین موضوع می دانی چه معضل بزرگی شده؟ بچه ها چنداسمی می شوند و مشاور در مقابل این موضوع پوزخند میزند و می گوید: احالا این فیثاغورث فــلانـــ به نظرم اشــاره به این موضوع در همین حد کافــی بود. چون تماشــاگران فیلم خودشــان با دیالوگ ها این موضوع را می فهمند، مثلا آن جایی که ترانه به خسرو می گوید اگر سامی گر به کر دمن را بندار اکن نشان دهنده لحیازی این ىريە ترخص بېيىر بىل سەن مىلەر يېدىرى يى دونفر است و شمامى پرسى اين چە لجبازى است؟ اين چە كاريست كەمابە خاطر اين كە حرف، حرف من باشــد آن را انجام میدهیم. البته این موضوع از اول فیلم زمانی که صـدای پیغام گیر تلفن خانه رس و ترانه می آید که می گوید: «شـما با خانه ترانه، خســرو، خب حالا_، مشهوداست. این که بها سے من، من کر دن با هم مشےکل دارند و این ې کارشان غلط است. به نظرم لازم نیست همه چیز را صریح بگوییم، چون خود تماشاگر این را می بینید که این کار غلط است.

۔۔۔۔ اما در مُورد مسائل دیگر کے در فیلم ہ اما در مورد مستس ۔ یہ ۔ غلط بودنشان مشخص است، دکتر دربارہ . شنهادمیدهد. آنهاپي

می کردیداین واضح است که اتفاق غلطی است؟ اما این موضوع معضل افراد زیادی است و هیچوقت به راهحلی نرسـیدند و تا آخر عمر دواسمی باقی ماندند.

واقسی بایی متکار اهکاری وجود ندارد. باید واقعا برای این مشکل راهکاری وجود ندارد. باید این کار را انجام ندهند و به یک راهکار برسند. علنا می بینید که این کار چقدر صمه زننده است. اما این تنهامور دی نیست که دکتر در مور د آن راه حلی نمی دهد. من تلاش کردم فقــط در جاهایی که ما نتیجه گیری نمی کنیم دکتر حرف بزند. مثلا او از

باشــد که مدام به من زنگ نزند بیا مرا فلان جا ببر. میخواهم کار کند و پول در بیاورد، آدمی نباشد که نظرم می شـود کم کـم درباره چنین م من برايش تصميم بگيرم و خـودش اين قابليت ١ در فيلم هايمـان حرف بزنيم. چون آنهـا به روابط 1



داشته باشد. او فوقالعاده است. بنابراین من از این جبهه نگاه نمی کنم فقط می خواهم اشتباهاتی را که داریم نشان دهم. این زن و شوهری که در فیلم می بینید ظاهر مدرنی دارند. حتی سعی کردم در

رفت که نشد بازی کنند. من دوست دارم آن فیلم لباس هایشان اغراق نشود، ولی در عین حال مدرن هستند. خیلی گران نمی پوشند اماخوب، تمیز و مرتب هستندولی رفتار شان مشکلات زیادی دارد. شما همه این نکاتی را که در فیلم مطرح دستنخور دەباقى بماند. پس در ً اَ تَشْرَبْسَ های بعدی از زوج رادان و حجار استفاده نمی کنید؟ میکنیسداد بین علی را مدر پیم سری میکنیسداز تجربیسات خودتمان به دسست میآوریدو هر کدام را یادداشت میکنید تا بعدادرفیلمتانِ استفاده کنید؟

. من اصولايک آدم اجتماعي هستم و با هر طيفي ارتباط دارم. دوستان جوان زيادي هم دارم. زن و

ر . شوهرهای جوان زیادی را میشناســم و پای درد دل همه آنها مینشینم. مثلا همین مادرهایی که

در فیلم دیدید، واقعا دوســتان زیادی دارم که اهل ــتاگرام و فيس بوک هستند و حتى از من هم بزرگتر هستند. یعنی آن نقش سنتی زن و مادر

مویژه در طیفهای تحصیلکرده کاملاً عوض

. ریز است. حتی زن های خانه دار هم در فیس بوک

فعالیت دارند. فیلمنامه «آتش بس» کاملا بر گرفته از جامعه ما است. اگر نقد روانشناختی می کنیم

. مثلا مسأله انتخاب را مطرح مي كنيم و مي گوييم

تو مسئول انتخاب خودت هستی. چون این اتفاق واقعا در جامعه ما میافتد و زوجها مسئولیت

ورغت در بست هی،میه درد. انتخابهایشان راگاهی نمی پذیرد. من جواب سوالم را کامل نگرفتم که چطور از این نکات به فیلمنامه می رسید؟ یعنی همه اینها را یا دداشت می کنید تـا در فیلمنامه

نه من یک دکتر مشاور دارم که او هم خیلی طلاعات خوبی را به من منتقل می کند. مشاور من

نه، چون قســمت ســوم «آتش,بــس» اصلازوج بســتند. این قســمت درباره دختران پا به ســن گذاشته است که از دواج نکر دند و همین موضوع مسأله این دختران شده است. من فقط قصد دارم دکتر روانشناس را در همه این مجموعه حفظ کنم و اگر زمانی آقای پسیانی در دسترس نبود کس دیگری را جایگزین او میکنم. چــون قصد دارم از - روز در در یک می می رو طریق این روانشناس حرف های خودم را با بیننده مطرح کنم و به روابط غلط «آتش بــس» بدهم. شـما به این موضوع توجه کنیدنه به آن فیلمهای دنبالهداری که قبلادیدهایدو در ذهن شماست. اصلاتکرار رادوست ندارم.

www.shahrvand-newspaper.ii

سلا ندرار را دوست ندارم. این ســوال شــاید کمی کلیشــهای شــده شــداما چطور شــد به زوج میتــرا حجار و ا... بهرام رادان رسّیدید؟ چون پیش از این در خبرهایی که پیش از ساخت فیلم، نامهای دیگری همچـون الناز شاکردوسـت، حامد بهدادو...شنیدهمیشد. ابداقرار نبود من با این دو نفر کار کنم. نمی دانم

چه کسی این شــایعات را راه انداخته بود، موقعی که این خبر را خواندم نزدیک به یکســال بود که لناز و حامد را ندیده بودم. جالب است بدانید حتی حامد بهداد با من تماس گرفت و پرسید قرار است در فیلمم بازی کند؟ و من بـه او گفتم اگر قرار بود در فیلم بازی کنی کے اول از همه تو این موضوع را مي فهميدي (خنده)

چراشــمااین فیلم رااز میان فیلم هایی که تاكنون ساختيد براي دنبالهسازي انتخاب کردید؟ چون آن زمان در گیشه موفق شد و بر فروش بود؟

مروسی بود. این موضوع هم در انتخاب «آتش بس» برای ادامه ی تاثیر نبوده است. من «آتش بس ۱» را با ترس بی میر بود مصفحه می می بی ۲۰ را برای و اضطراب زیادی ساختم. چون فیلمهایی نظیر ۱۰ تش بس، مبتنی بر دیالوگ هستند. مشاوری در فیلم روبه روی شخصیت ها می نشیند و با شما (بیننده) صحبت می کند. ایس می تواند خیلی . يتھا مىنشيندو با شما خط ناک باشد. معلوم است که موفقیت آن خیلی روى من هم تأثير گذاشت. چون بــا آن فيلم بود که متوجه شــدم مردم تشــنه آموختن هستند و زمانی که از روانشناســان متعدد شنیدم که بعد از . آن فیلم دفترهای مشاورشان شلوغ تر شده و مردم مىخواھند بيُشتر دربارهُ اكودك درونَ بدانند، اين موضوع بيشتر برايم روشن و مهم شد. شايد باورتان نشوداماحتی کتابهایی که درباره «کودک درون» دبه چاپ صدم یا دویستم رسی براىھمين بود که با خودم فکر کردم چیرا «آتشبس»های بعدی را نسازم؟ البته دوست ندارم پشت سر هم آتش بس بسازم، اما دلم می خواهد بـا فاصله هر ١٠سال يکفيلماآتش سي حديديسا: م

چرا دوست ندارید که مجموعه «آتش بس» تسر هم بساز ید؟ ،اىش

را پشت سر هم بسازید؟ به این دلیل که دوست ندارم فقط کار طنز بسازم و همه فیلمهای مجموعه اآتش بس ا طنز هستند. وســت دارم در فاصلــه ســاختن ایــن مجموعه ت رويشان كار فیلمنامه هایی را که چندسال است رویشان کار می کنم و عاشقشان هستم هم بسازم. مثل اعاشق کی ۱۹ رو کشی و ۱۳ ۱۹ ۱۰ رو این کا کشی۱۰۱فری کثیف و ۱۳نهایی پرهیاهو. پس در حال حاضر بقیه مجموعه (آتش بس)

راننوشــتيدوبعدازاين فيلــم، نمى خواهيد قسمت سومرابسازيد؟ نه، من در حــال حاضر ۵ فيلمنامــه «آتش بس»

وشـــتهام وُحتما آنها را با فاصله خواهم ســاخ درحال حاضر قرار است یک فیلم جنگی بسازم وبعداز آن هم قصد دارم یک فیلم شــهری بسازم. وبماری مرسط می ورد شاید پس از آن دوباره یک آتش بس ابسازم. برای همه ایس ۵ قسمت دیگر هم از

اسم«آتشبس»استفادهمیکنید؟ بله، همه آنها «آتش بس» به روابط اشتباه بودواین اسم قشنگی برای این نوع فیلم ها است. این مجموعه در کنار هم یک هدف مشتر ک يعنى پايان بخشيدن به روابط اشتباه رادنبال

، ئى»، رومانى مىكنند؟ ى بلەدقىقا،بېينىدمئلاآخرىن قسمت «آتشبس» کاملا سیاسی است. اصلار بطّی به روابط خانوادگی ندارد، بلکـه به روابط گروههای سیاســی مختلف

می پردازد. اگـر فیلم«آتشبـس۲» آن قدر کـه انتظار متهام بعدی را دارید نفروشد، باز هم قسـمتهای بعدی را

میسازید؟ اصلاشـکنکن، حتمـا آنهارا میسـازم. چون من فیلمسازی نیستم که لزوماً بخواهم فقط فیلم پرفروش بسازم. من فیلمسازی هستم که دلم میخواهد بیشتر تاثیر گذار باشم و برای من بار مهمتر از فروش است. فیلمهای زیادی ين بس هستند که فقط می فروشنند و با لودگی های زیاد باعث خنده مردم می شوند و همین دلیل فروش بالایشان می شوند اما این چه فیلمی است؟ من دوست دارم به فیلمم افتخار کنم و تأثیرش را در ولست - روب مي منهم جامعه ام ببينچ. فيلمنامه «آتش بس ۲» س فیلمنامهای بود که تا به حال نوشتم به این دلیل که ظرافت زیادی در آن به کار بردم.

بنابرايين دوست دارييداز فيلم بازخوردىبېينيد؟

ت دارم فیلمم دیدہ شـ دربارُه آن با هم بحـث و گفتو گو کنند. همچنین دارم در جامعه درباره موضوعاتی که در فيلم مطرحشــان مي كنم بحــث راه بيفتد، چون بهاباعث خروج اتفاقات خوبى در جامعه مىشوند. دکتر هولاکویی بود کــه در آمریکا زندگی می کند و دکترا دارد. زمانی کــه آمریکا بودم با هم صحبت کر دینے و او خیلی از منوار دی را کہ بنے او مراجعہ ر : ، ، ، ر ر - ی ر - ر ک ر کرده بودند برایم تعریف کـرد. این که آدمها از چه چیزهایـــی رنج می برنداگـر او صد مــورد را برایم تعریف کرد مـن از چند مورد آن برداشت داشتم که در فیلمنامه از آنها استفاده کردم. ىس بې مشاور بە شما كمك كرد.

بيشتراززن نسبت به همسر شاست؟

مردها برای خودشان حقوقی را قایل هستند[.]

براى زن هايشان قايل نيستند. به نظرم ما بايد فيلم

. **. یک ک** من اصلاجبههای در برابر مردها ندارم. من خودم

دارم با یکی از مردهـای خُوب این مملکت زندگی می کنم و دو برادر فوق العاده دارم که انسـانهای

متمدنی هسیتند. بادم اسیت برادر بزر گم وقتی

می گفت: دلم می خواهد همســرم آن قدر مستقل

ت ازدواج كنيد، دربياره زوج ايده آلش

_رای این که

سائل مطرح شده

ه نظـرم این یک حقیقت ا

۔ کر می کنید مردھا ایں می

درفيلُمراقبول مى كنند؟

رن ... ينانهبسازيم.

استفاده کنید؟

۔ یک نفسر، بلکے ۱۰ مشاور۔ یکسی از آنہا خواهرزادهام السابود او خيلي دقيق فيلمنامه را خواند حتى آن سكانسي كه ترانيه «دينگ» را می گفت اوبرایم نوشت.

۔ نہ کر دم.

ی ---- رجر چر پوست. در پایان قسمت اول«آتشبس» به نظر آمد که سایه و یوسف بالاخره به تفاهم رسیدند. مــا دريايان اين فيلم خســروبازهم تص گرفت که به همسرش درباره فوبیای پروازش چیــزی نگوید. چــرا ایــن پایــان را انتخاب ې د بد؟

م. مىخواستمبگويم آنقدر هم كەمامى گوييماين می خواسمبردیم ایندر هم ندمامی نویم این تغییرات آسان اتفاق نمی افتد. دقیقا هر دو فیلم با دعوای زوج ادامه پیدا می کند که نشـــان دهیم این اتفاقات به ســادگی نمی افتند برای همین نگران تىاشىد.

. شـّـما در صحبتهایی که پیش از مصاحبه داشــتیم گفتید که دیگـران گفتهاند چقدر خــوب کــه از زوج قبلــی برای این قس استفاده نكرديد. اما من مىخواهم برعكس ایسن گفته ها سوال بپرسسم، ما در بیشستر فیلم هسای دنبالسه دار معروف جهان شساهد هستیم که از همان ستار ههایی که در قسمت اول فیلم بازی داشتهاند برای قسمتهای دیگر آن فیلم استفاده می کنند، شما چرا از زوج گلزار وافشار دیگر استفاده نکردید؟ من به ستاره نیاز ندارم. خودم ستاره ها را می سازم وقبول كنيدزوج مهناز افشار ومحمدرضا كلزار بعد ز «آتش بس۱» بودند که زوج هنری شـ دندومن

ستارەھاراساختم. اتفاقا اگر شـــما اين زوج هنري را درس کردہ باشید، باز ھم بایداز آن استفادہ کردید.مثلادر سری فیلم های «هری پاتر» بازیگران آن قبل از بازی در این مجموعه کودک ۱۲ ساله ناشــناس بودند که به واسطه بازی در ایــن فیلـمها ســتاره شــدند و هیچ منافاتی با اســتفاده از آنها در قســمتهای

بعدىنداشت. ں نه این موضوع بھم ربطی ندارد، مثل این می ماند که تو بگویی چرا شخصیت «جیمز باند» را یک نفر بازی نمی کند؟ برای این که شـخصیت جیمزباند مهم است نه کسی که آن را بازی می کند. البته ے که آن رابازی می کند ارزش دار<mark>د</mark> اما جیمز باند،ارزشــمندتر اسـت. فيلمهاى من روانشناس

. محور اُست و با توجه به قصه فیلمهایم میخواهم محور است و با و به به صله دینهاییم می توانیم. زوجهایی راانتخاب کنم. یعنی شــما اصــلا در مــورد بــازی در «آتشبس۲»بامهناز افشار ومحمدر ضاگلزار نكرديد؟

اصلابگذاریداینطور بگویم، دلیل شکل گیری سمت دوم فیلم، آتش بس، مهناز افشار و رضا گلزار بودند، چــون آنها یک روز به دفتر من آمدند ور بوعد بسوی به یا روز باطر می مند و در میان حرف هایی که میزدیم و با هم فکر می کردیم به این نتیجه رسیدیم اگر داستان این زوج را ادامه دهیم چطور می شود. یعنی اگر سایه و یوسف زن و شوهر واقعی بودند الان بعد از ۹ سال »ر در چه حالی هستند، بعداز رفتن آن دواز دفترم من شروع به نوشتن قسمت دوم «آتش بس» کردم چون از ایده هایی که میان شوخی و خنده ما شکل برای در این می این می می این این می در این کردم اگر این گرفته بود، خوشم آمد. اما بعد از آن فکر کردم اگر ج قرار باشد دوباره از این دو استفاده کنم بازهم باید درباره «کودک درون» صحبت کنم و من دوست نداشتم مباحث تکراری را در آن مطرح کنم. به همین دلیل تصمیم گرفتم از زوج هنری دیگری

استفاده کنم. محمدرضا گلـزار و مهنــاز افشــار هــم علاقەمند نبودند در این فیلم بازی کنند؟ به نظرم علاقهمند بودند اما شرایط طوری پیش